

سنتز پژوهی مطالعات بین رشته‌ای ادبیات کودک از منظر مخاطب محوری

آمنه عالی *

استادیار روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی

حسن علی‌نژاد

دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان امیرکبیر

حلیمه نعمت‌الهی

کارشناسی ارشد آموزش و پرورش پیش‌دبستانی

چکیده

هدف این پژوهش تعیین میزان توجه به مخاطب - کودک در مطالعات بین‌رشته‌ای حوزه ادبیات کودک و پیشنهاد معیارهایی برای پژوهش‌های آینده است. به‌منظور نیل به این هدف، جایگاه مخاطب در اجزای ساختاری پژوهش، یعنی هدف، مؤلفه‌ها، روش و نمونه، توصیف و تحلیل شده است. با استفاده از روش سنتزپژوهی، ۳۸ گزارش پژوهش بین‌رشته‌ای، شامل مقالات علمی - پژوهشی و پایان‌نامه‌ها و رساله‌های کارشناسی ارشد و دکتری که با ملاک‌های ورود به پژوهش هماهنگ بودند، به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند؛ سپس اجزای ساختاری این پژوهش‌ها استخراج و در جداول توصیفی ثبت و تحلیل شدند. یافته‌های این پژوهش عبارت‌اند از: ۱. سه هدف عمده در این پژوهش‌ها مورد نظر بوده است: بسامد، بازنمایی و مقایسه مؤلفه‌ها. مؤلفه‌های بررسی‌شده نیز در سه حوزه دانش روان‌شناسی و علوم تربیتی، جامعه‌شناسی و فرهنگ، و اخلاق و دین قرار می‌گیرند. ۲. تعداد مؤلفه‌های مربوط به حوزه روان‌شناسی و علوم تربیتی بیشتر از دو حوزه دیگر است. ۳. روش پژوهش همه

* نویسنده مسئول: amene.aali@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۱۷

مطالعات تحلیل محتوا است. ۴. نمونه همه آنها نیز آثار ادبیات کودک است که با توجه به معیارهای سال انتشار و گروه سنی، نام نویسنده یا اثر خاص، نوع داستان، موضوع خاص و آثار برگزیده تعیین شده‌اند و در این میان، معیار سال انتشار و گروه سنی بیشترین کاربرد را داشته است. درمجموع نتایج تحلیل این یافته‌ها براساس معیار توجه به مخاطب، حاکی از توجه اندک به مخاطب - کودک در پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبیات کودک است که برای تقویت این جایگاه، پیشنهادهایی در هر چهار عنصر پژوهشی ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: مخاطب‌محوری، مطالعات بین‌رشته‌ای، ادبیات کودک، سنتزپژوهی.

۱. مقدمه

هدف از پژوهش ادبیات کودک چیست؟ نقد و ارزیابی متن، تدوین نظریه ادبی، کشف رموز شاهکارهای ادبی و یا شناسایی آثار برگزیده؟ ادبیات کودک در *دائرةالمعارف فارسی* این‌گونه تعریف شده است:

مجموعه آثاری که برای مطالعه اطفال و نوجوانان و به‌منظور سرگرمی و آموزش آنان فراهم شده است و به‌معنای وسیع‌تر و درست‌تر، آثاری که از لحاظ لفظ و تعبیر متناسب با سنین مختلف کودکان و نوجوانان باشد، در زمره این نوع ادبیات است (مصاحب، ۱۳۸۰: ۷۲).

نکته برجسته در این تعریف که وجه مشترک اغلب تعریف‌های دیگر محسوب می‌شود، تأکید بر «مخاطب - کودک» است. به عبارت دیگر، تمایز اصلی این نوع ادبیات با ادبیات به‌طور عام (بزرگسالان) قید «کودک» است. گرنمای و رینولدز^۱ (۲۰۱۱) ادبیات کودک را ادبیاتی تعریف می‌کنند که برای کودک نوشته می‌شود، البته نه به‌وسیله کودک. به دیگر سخن، نظریه‌های ادبیات کودک غالباً حول کانون خواننده شکل می‌گیرند، در مقایسه با دیگر نقاط کانونی نظریه‌ها در مدل واندراگرفت^۲ (۱۹۹۰) یعنی نویسنده، متن، جهان، زبان و غیره؛ زیرا انشقاق ادبیات کودک از کل ادبیات به‌واسطه متمایز کردن مخاطب (خواننده) صورت گرفته است (یداللهی و دیگران، ۱۳۹۶).

با این وصف، چه تمایزی بین هدف پژوهش ادبیات کودک و هدف پژوهش در انواع دیگر ادبیات وجود دارد؟ طرح این مسئله مبتنی بر این پیش‌فرض است که

پژوهش ادبیات کودک با فرض مخاطب - کودک، ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که ناشی از ماهیت متفاوت آن است و پژوهش در این حوزه را تحت تأثیر قرار خواهد داد. درک این ویژگی‌ها مستلزم توجه به اثرات معطوف به قید کودک در حیطه دانش و سپس پژوهش ادبیات کودک است که در ذیل به این دو مهم پرداخته می‌شود.

۱-۱. مخاطب در دانش ادبیات کودک

از آنجا که عنصر مشترک همه تعریف‌های ادبیات کودک، قید «کودک» و به عبارت دیگر، «مخاطب - کودک» است، نظریه‌های مخاطب‌محور در بین همه مکتب‌ها و نظریه‌های نقد ادبی می‌تواند مناسب‌ترین نظریه‌ها در مطالعات ادبیات کودک باشد؛ زیرا تأکید این نظریه‌ها بر واکنش، درک و دریافت مخاطب استوار است؛ یعنی نقش فعال مخاطب در ساخت معنا.

هرچند که نظریه‌های مخاطب‌محور فاقد نقطه آغاز فلسفی واحد هستند، صاحب‌نظران این حوزه، از جمله ولفگانگ آیزر،^۳ هانس روبرت یاس،^۴ جانان‌تان کالر^۵ و استنلی فیش،^۶ پدیدارشناسی و هرمنوتیک را مبنا قرار داده و با محوریت دادن به دریافت مخاطب از متن، سیطره نظریه‌های معطوف به متن، مانند ساختارگرایی و فرمالیسم، را به چالش کشیده‌اند (سلدن و ویدوسون، ۱۹۹۳؛ موران، ۱۹۹۳). از نظر آیزر، متون ادبی همواره سفیدخوانی‌هایی دارد که فقط خواننده می‌تواند آن‌ها را پر کند و معنا محصول رابطه دیالکتیکی خواننده در متن است. یاس نیز با مطرح کردن *افق/انتظار* در توصیف معیارهایی که خوانندگان برای درک و داوری آثار ادبی به کار می‌برند، بر نقش محوری مخاطب در تعیین معنای اثر تأکید می‌کند و معنای هر اثر ادبی را در حکم پاسخ‌هایی می‌داند که متن به افق انتظارهای مخاطب می‌دهد (سلدن و ویدوسون، ۱۹۹۳).

علاوه بر نقشی که نظریه‌های مخاطب‌محور برای مخاطب در درک معنا قائل‌اند، قرار دادن کودک در جایگاه مخاطب از چند سو بر دانش این حیطه اثر می‌گذارد. از یک سو مخاطب ابزار طبقه‌بندی روایت‌هاست؛ جرالند پرینس^۷ معتقد است: «به یمن علامت‌هایی که صفات روایت‌نویس را شرح می‌دهند، می‌توانیم هرگونه روایتگری را برطبق نوع روایت‌نویشی مشخص کنیم که مورد خطاب روایتگری است» (به نقل از

مک کوئیلان، ۲۰۰۰: ۱۵۴). بنابراین مشخصات «روایت‌نیوش کودک» است که روایت را در زمره ادبیات کودک طبقه‌بندی می‌کند؛ درحالی که در انواع دیگر ادبیات، مثلاً ادبیات فمینیستی، تأکید بر مخاطب خاصی نیست؛ بلکه بیشتر پافشاری بر ماهیت خود اثر است و مخاطب آن ممکن است زن یا مرد باشد. از سوی دیگر مخاطب محتوا را جهت می‌دهد؛ دونا نورتون^۸ با پژوهشی جامع و علمی درباره ادبیات کودک تحت عنوان شناخت ادبیات کودکان: از روزن چشم کودک، بر لزوم تناسب و سودمندی ادبیات کودک برای مخاطب خاص (کودک) تأکید می‌کند: «ماهیت دوگانه ادبیات کودک این است که هم لذت‌آفرین است و هم شناخت را گسترش می‌دهد. ادبیات ارزشمند، فرصت‌های فراوانی برای خواندن، گوش سپردن، بحث کردن، سهم شدن و واکنش نشان دادن برای کودک فراهم می‌کند» (نورتون، ۱۹۹۹: ۲۹). از این لحاظ، ادبیات کودک باعث غنی شدن تجربه و شناخت کودک می‌شود. سودمند بودن، آموزش و اثرگذاری مثبت بر مخاطب - کودک، معیارهایی برای محتوای مطلوب ادبیات کودک تلقی شده‌اند.

سومین مسیر اثرگذاری مخاطب بر دانش ادبیات کودک، نقش مخاطب در آفرینش اثر ادبی است. طبق نظریه وین بوث^۹، منتقد امریکایی، در کتاب رتوریک داستان^{۱۰} «نویسنده واقعی» داستان را می‌نویسد و «خواننده واقعی» هم داستان را می‌خواند. این دو بیرون از اثر ادبی قرار دارند و مستقل از آن زندگی می‌کنند. نویسنده واقعی هنگام آفرینش اثر ادبی تصویری از مخاطب در ذهن مجسم می‌کند و اثرش را برای مخاطب فرضی می‌آفریند که وین بوث او را «خواننده ضمنی» می‌نامد. این خواننده ایدئالی که نویسنده حقیقی در ذهن خود می‌پروراند و متن را خطاب به او می‌آفریند، ممکن است با خواننده واقعی یکسان باشد یا غالباً یکسان نباشد (Booth, 1961:73). به عقیده کالر، نویسندگان با توجه به توانش ادبی خواننده در درک متون ادبی، آثار خود را خلق می‌کنند. فیش نقش تجربه خواننده بر آفرینش اثر را توضیح می‌دهد (سلدن و ویدوسون، ۱۹۹۳). ایدن چمبرز^{۱۱} (۱۹۸۵) نظریه خواننده ضمنی را با مقاله جریان‌ساز خود تحت عنوان «خواننده درون متن»^{۱۲} وارد حوزه دانش ادبیات کودک کرد. به این ترتیب، هنگامی که نویسنده خطاب به کودک، به عنوان مخاطب ضمنی، اثری را می‌آفریند و با

او وارد تعامل و گفت‌وگو می‌شود، متن از نظر منطق گفت‌وگو، نحو، واژگان، تصاویر و تم متناسب با مخاطب ضمنی (کودک) خلق می‌شود؛ در نتیجه کودکان در هنگام خوانش، بهتر با متن تعامل برقرار می‌کنند.

در نهایت مخاطب - کودک گزینشگر آثار است. اغلب آثار برجسته مورد استقبال کودکان با قصد و نیت قبلی برای کودکان نوشته نمی‌شوند؛ بلکه برخی از آثار ادبی با استقبال کودکان مواجه می‌شوند. از این رو شاید بتوان گفت این نویسنده نیست که متنی را ویژه ادبیات کودک تولید می‌کند؛ بلکه توجه و استقبال کودکان معیاری تعیین‌کننده در این زمینه است.

۱-۲. مخاطب در پژوهش ادبیات کودک

آیا به همان اندازه که مخاطب - کودک در دانش ادبیات کودک تأثیرگذار است، توجه به آن در پژوهش‌های این حوزه هم ضرورت دارد؟ اما مخاطب - کودک از چه منظری در پژوهش بررسی شود؛ در نقش مخاطبی که در روایت قرار دارد (خواننده ضمنی) یا مخاطبی که به متن واکنش نشان می‌دهد (خواننده واقعی)؟

اولین گام در هر پژوهش و خلق اثر ادبی شناخت و پذیرش جهان کودکی و مخاطب - کودک است. سرزمین تازه استقلال‌یافته کودکی هم در بُعد اجتماعی جامعه مدرن امروزی و هم در جهان آثار هنری، چارچوب و سازوکار خاص خود را می‌طلبد. شناخت این جهان با تمام قواعدش و تعیین و پذیرش چارچوب‌های آن از طریق مطالعات دقیق و علمی در حیطه روان‌شناسی رشد کودک حاصل می‌شود. تعامل مفید و مستمر دو عرصه پژوهش و آفرینش به خلق شاهکارهای ادبی ماندگار در این جهان تازه استقلال‌یافته منجر می‌شود و همپای تعالی در زمینه‌های دیگر، آثاری پیشرفته، تازه و جذاب پدید می‌آید.

ایدن چمبرز تأکید می‌کند به روش نقدی نیاز داریم که کودک را در مقام خواننده به حساب آورد و او را در درون جای دهد، نه در بیرون. تا زمانی که نفهمیم چگونه خواننده ضمنی اثر را به حساب آوریم، به در بسته می‌گوییم. خواننده ضمنی و روش نقد حاصل از آن به ما کمک می‌کند تا چگونگی آفرینش رابطه نویسنده و کودک -

خواننده را نیز درک و معناهای متن را کشف کنیم و به این سؤال اساسی پاسخ دهیم که یک اثر چگونه کتابی است و چه نوع خواننده‌ای را می‌طلبد (چمبرز، ۱۹۸۵). پیتر هانت^{۱۳} نیز معتقد است: «نقد ادبیات کودک باید از داوری به‌نماینده‌گی از کودکان بپرهیزد و در عوض بازتابی از صداها و خود کودکان باشد» (به نقل از رنلذ، ۲۰۱۱: ۹۸). از این رو نمی‌توان فقط با ابزار نظریه‌های سنتی و عام نقد ادبی به سراغ ادبیات کودک رفت؛ برای ادبیات کودک باید ابزار خاص خودش را به کار برد.

یکی از تفاوت‌های خواننده بزرگسال و کودک در این است که کودکان خوانندگانی انعطاف‌ناپذیرند؛ چنان‌که اگر در یک اثر ادبی جهان‌بینی و نگرش خواننده بزرگسال با خواننده ضمنی اثر متفاوت باشد، او با نگرشی فرامتنی و نقادانه به خواندن اثر ادامه می‌دهد و خود را با اثر هماهنگ می‌کند. به گفته لوئیس^{۱۴}، ادبیات به او (بزرگسال) این فرصت را می‌دهد «که هزاران فرد شود و در عین حال، خویشتن خویش را حفظ کند» (به نقل از چمبرز، ۱۹۸۵). اما اگر نگرش کودک با خواننده ضمنی متفاوت باشد و نتواند با متن تعاملی مثبت و دلخواه برقرار کند، متن را کنار می‌گذارد. بدین سبب چمبرز کودکان را خوانندگانی انعطاف‌ناپذیر می‌داند: «آنها دلشان کتابی می‌خواهد که نویسنده آن، آنها را همان‌طور که هستند بپذیرد، نه اینکه ناچار باشند خودشان را با کتاب هماهنگ کنند» (همان‌جا). در نظریه‌های ادبی مخاطب‌محور بیشترین توجه به مرحله خواندن معطوف است. به همین دلیل از این منظر، مخاطب‌شناسی به معنای شناخت واکنش‌های مخاطب به متن است (سیدآبادی، ۱۳۸۵). بنابراین نوع واکنش‌های کودک به قسمت‌های مختلف روایت، معیاری انکارناپذیر در پژوهش ادبیات کودک است. به همان نسبت که متغیرهای مربوط به کودک در پژوهش‌های متن‌بنیاد باید مورد توجه باشند، ضرورتاً واکنش کودک به متن و تعامل مخاطب (کودک) و متن هم مؤلفه اصلی مورد پژوهش در مطالعات بافت‌بنیاد خواهد بود که رویکردی خواننده‌محور دارند و به موقعیت و بافت متن توجه می‌کنند.

روزن‌بلات^{۱۵} (۱۹۸۵) از دو نوع واکنش عمده به ادبیات سخن می‌گوید: واکنش تحلیلی و بیرونی^{۱۶} و واکنش درونی، احساسی و زیبایی‌شناختی^{۱۷}. واکنش بیرونی شامل کنش‌هایی می‌شود که فرد در مواجهه با متن پیام، نتایج، راه حل‌ها، ارزیابی‌ها و

مفاهیم تحلیلی به‌دست می‌آورد. بیرون کشیدن محتوا و اطلاعات از متن روایت و بیان دلایل برتری یک متن بر متنی دیگر از واکنش‌های بیرونی است. اما واکنش درونی، احساسی و زیبایی‌شناختی معطوف است به آنچه به‌گونه‌ای فردی در متن می‌بینیم، احساس می‌کنیم و می‌اندیشیم (به نقل از نورتون، ۱۹۹۹: ۴۱) و اغلب نوعی درک و دریافت بیان‌ناشدنی است (ادراک بلاکیف). این دریافت مبتنی بر یکی شدن با شخصیت‌های روایت، برداشت‌های فردی و تعامل احساسی با متن است. واکنش زیبایی‌شناختی اغلب با پرسشی از این گونه همراه است که این متن ادبی چگونه بر من اثر می‌گذارد. بر این اساس، بدیهی است که نتایج توصیف و تحلیل واکنش‌های کودک به روایت‌ها و اثر ادبی، در حوزه مطالعات ادبیات کودک سودمند خواهد بود.

درمجموع می‌توان گفت توجه به مخاطب ضرورت‌های پژوهشی را ایجاب می‌کند که از همه مهم‌تر، مطالعه واکنش‌ها و تعاملات دوسویه کودک و روایت است. پذیرش این نگاه متفاوت به پژوهش به‌طور مسلم اجزای ساختاری پژوهش یعنی هدف، پرسش، روش و حتی نمونه را متحول خواهد کرد. اما آیا به‌راستی پژوهش‌های ادبیات کودک به این امر توجه کرده‌اند؟ پاسخ‌گویی به این مسئله مستلزم مرور تحلیلی بر این پژوهش‌هاست که تاکنون درمورد پژوهش‌های داخل کشور صورت نگرفته است. البته تحقیق صدیقی، جمالی و کهن سلوکلویی (۱۳۹۵) نمونه‌ای از مرور تحلیلی است؛ اما مخاطب‌محور نیست. آن‌ها مقاله‌های تألیفی، ترجمه و نقدهای شعر و داستان را که در بازه زمانی ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ در ماهنامه کتاب ماه کودک و نوجوان چاپ شده‌اند، بررسی کرده‌اند تا نمایی کلی از وضعیت نظریه و نقد عملی ادبیات کودک در آن سال‌ها را ترسیم کنند. براساس نتایج پژوهش‌نام‌برده، بازنویسی، بازآفرینی و ادبیات عامیانه بیشترین موضوعات مطرح‌شده در مقاله‌های تألیفی است که می‌تواند نشان‌دهنده جایگاه و تأثیر ویژه ادبیات شفاهی و ادبیات کلاسیک در ادبیات کودک و نوجوان باشد و تنها پنج مقاله از مجموع مقاله‌های ترجمه‌ای به موضوعات نظری و نقد ادبیات کودکان اختصاص داشته و در اغلب این مقاله‌ها از رویکردهای مختلف نقد سنتی استفاده شده است. با توجه به موارد ذکرشده، هدف اصلی این پژوهش تعیین میزان توجه به مخاطب - کودک در مطالعات بین‌رشته‌ای ادبیات کودک و پیشنهاد معیارهایی

برای پژوهش‌های مخاطب‌محور است که از طریق بررسی این سؤال پژوهشی تأمین خواهد شد: اجزای ساختاری (هدف، مؤلفه‌ها، روش و نمونه) پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبیات کودک تا چه حد مخاطب‌محورند؟

۲. روش تحقیق

در پژوهش حاضر، از روش سنتزپژوهی استفاده شده است. سنتزپژوهی روشی است که حاصل آن دانش تلفیقی است؛ دانشی که دانسته‌های مطالعات گوناگون و شاید پراکنده را گرد هم می‌آورد تا با نیازهای خاص میدان عمل مرتبط باشند. درواقع در سنتزپژوهی به ارزیابی و ترکیب مطالعات جاری و اجراشده می‌پردازند تا با دانش حاصل از آن بتوان به حل مسائلی کمک کرد که مستلزم برنامه‌ریزی هستند. در فرایند این ترکیب، مطالعات انجام‌شده درباره موضوعی خاص یک‌به‌یک مرور و به‌نحوی سازمان‌دهی می‌شوند تا بتوان برحسب سؤال‌های مختلف و درعین حال مرتبط، به تفکیک و نیز مقایسه آن‌ها پرداخت و سپس الزامات مربوط به دانسته‌ها و آنچه را که هنوز به مطالعه نیاز دارد، تحلیل و ترسیم کرد. یکی از ره‌آوردهای ارزشمند پژوهش تلفیقی نشان دادن آن دسته از شکاف‌های موجود در دانش کنونی است که پژوهشگران ملزم به پر کردن آن هستند (مارش، ۱۹۹۱: ۳۵۰).

همگام با الگوی سنتزپژوهی، در پژوهش حاضر این مراحل اجرا شده است: تعیین معنا و حدود موضوع مورد بررسی، جست‌وجوی پایگاه‌های اطلاعاتی داخل کشور، گردآوری گزارش‌های پژوهشی، استخراج ویژگی‌های مورد نظر از هر گزارش، ترسیم جداول توصیفی، مقوله‌بندی و تحلیل این ویژگی‌ها و درنهایت دستیابی به تعمیم‌ها و ارائه پیشنهادها کاربردی و پژوهشی.

جامعه آماری پژوهش تمام مطالعات بین‌رشته‌ای در زمینه ادبیات کودک است که در کشور انجام شده است و گزارش آن در قالب مقالات علمی - پژوهشی، پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و رساله‌های دکتری قابل دستیابی است. مطالعات بین‌رشته‌ای ناظر به پژوهش‌هایی است که مؤلفه‌های مربوط به رشته‌هایی غیر از ادبیات مانند روان‌شناسی، علوم تربیتی، جامعه‌شناسی، فرهنگ و هنر و غیره را در متون ادبیات

کودک بررسی و تحلیل می‌کنند. کاهش حجم نمونه پژوهش و به تبع آن افزایش دقت تحلیل و همچنین وجود تمایز آشکار بین مفاهیم و شیوه پژوهش در دو دسته پژوهش‌های ادبی و بین‌رشته‌ای که ترکیب و مقایسه را دشوار می‌کرد، دلیل انتخاب مطالعات بین‌رشته‌ای بود.

برای دستیابی به پژوهش‌های مورد نظر، در پایگاه‌های اطلاعاتی Magiran، Irandoc، Noormagas و Sid با کلیدواژه‌های مرتبط به ادبیات کودک جست‌وجو انجام شد. در نتیجه این جست‌جو، ۴۳ گزارش پژوهشی جمع‌آوری شد که از میان آن‌ها ۳۸ پژوهش که از ملاک‌های زیر برخوردار بودند، به‌عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند:

۱. بررسی متغیرها و مؤلفه‌های بین‌رشته‌ای؛
 ۲. ارائه اطلاعات واضح و کافی در ارتباط با عناصر ساختاری پژوهش (هدف، مؤلفه، روش و نمونه) در گزارش پژوهش؛
 ۳. منتشرشده در قالب معتبر مانند مقاله علمی - پژوهشی، پایان‌نامه یا رساله.
- برای فراهم آوردن اطلاعات مورد نیاز از نمونه جمع‌آوری‌شده، از کاربرگ ثبت اطلاعات استفاده شد که شامل دو بخش بود: اطلاعات کتاب‌شناسی (عنوان، نوع اثر، نام پژوهشگران و تاریخ انتشار) و اطلاعات روش‌شناسی (هدف، مؤلفه‌ها، روش و نمونه پژوهش). در مرحله بعد، جداول توصیفی براساس این کاربرگ‌ها طراحی شد تا امکان ترکیب، مقوله‌بندی و مقایسه به‌منظور استخراج معانی کلی و بیان نظرات انتقادی و پیشنهادی فراهم شود.

۳. یافته‌ها

در این بخش، ابتدا داده‌های مربوط به اجزای ساختاری پژوهش (هدف، مؤلفه، روش و نمونه) در مطالعات بین‌رشته‌ای موجود در نمونه تحقیق در جدول شماره یک توصیف و سپس نتایج تحلیل داده‌ها ارائه شده است.

جدول ۱. اجزای ساختاری پژوهش در مطالعات بین‌رشته‌ای ادبیات کودک

ردیف	نویسنده و سال	هدف پژوهش	مؤلفه‌های پژوهش	روش پژوهش	نمونه پژوهش
۱	آقایی (۱۳۸۹)	بازنمایی مؤلفه‌ها	الگوهای نگرش انتقادی	تحلیل محتوای کیفی	در داستان‌های با شمارگان بالا ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰
۲	اخلاق عالی (۱۳۹۱)	بازنمایی مؤلفه‌ها و مقایسه	مفاهیم اخلاقی و تربیتی	تحلیل محتوا	آثار صمد بهرنگی، رضا رهگذر، سیروس طاهباز و هوشنگ مرادی کرمانی
۳	اسلام، نوروزی و نظری (۱۳۹۲)	بسامد و بازنمایی مؤلفه‌ها	مفهوم جنسیت	تحلیل محتوا	داستان نامه‌هایی به آقاغوله
۴	افراه (۱۳۹۲)	بسامد مؤلفه‌ها	مؤلفه‌های اجتماعی شدن	تحلیل محتوا	داستان‌های کتاب‌های فارسی اول، دوم و ششم ابتدایی و کتاب‌های داستان منتخب ادبیات کودک و نوجوان
۵	امین‌دهقان و پریرخ (۱۳۸۲)	بسامد مؤلفه‌ها و مقایسه	مفاهیم روان‌درمانی	تحلیل محتوا	داستان‌های تألیفی و ترجمه واقعی و غیرواقعی
۶	امین‌پور (۱۳۹۲)	بسامد مؤلفه‌ها	عاطفه	تحلیل محتوا	آثار مصطفی رحماندوست و افسانه شعبان‌نژاد

۷	ایزدپناه و شمشیری (۱۳۹۴)	بسامد و بازنمایی مؤلفه‌ها	مفهوم دیگری و دگربودگی	تحلیل محتوای کیفی قیاسی	داستان‌های ایرانی مرتبط با موضوع
۸	بخشایشی (۱۳۹۰)	بسامد مؤلفه‌ها	جلوه‌های دین و دین‌داری	تحلیل محتوا	داستان‌های کودکان
۹	البرزی (۱۳۹۴)	بازنمایی مؤلفه‌ها	مؤلفه‌ها و مهارت‌های تفکر خلاق	تحلیل محتوا	مجموعه کتاب‌های مرغک
۱۰	پورگیو و ذکاوت (۱۳۸۹)	بازنمایی مؤلفه‌ها	نقش‌های جنسیتی	تحلیل محتوا	داستان خاله‌سوسکه
۱۱	پیروز و فقیه عبداللهی (۱۳۹۵)	بسامد مؤلفه‌ها	هوش اجتماعی و مؤلفه‌های آن	تحلیل محتوای توصیفی	کتاب‌های فارسی مقطع ابتدایی
۱۲	ثقفیان‌خو (۱۳۹۲)	بازنمایی مؤلفه‌ها	مفاهیم عاشورایی	تحلیل محتوای توصیفی	کتاب‌های برگزیده عاشورایی گروه سنی «ب» و «ج» در دهه ۱۳۷۰-۱۳۹۰
۱۳	حمیلی (۱۳۹۳)	بازنمایی مؤلفه‌ها	درون‌مایه‌های دینی	تحلیل محتوای قیاسی و استقرائی	ادبیات کودک دهه ۱۳۸۰
۱۴	دهقانی (۱۳۹۲)	بسامد و بازنمایی مؤلفه‌ها	مفاهیم اخلاقی	تحلیل محتوا	داستان‌های کتاب‌های درسی فارسی دبستان
۱۵	ذاکری و شمشیری	بسامد مؤلفه‌ها و مقایسه	مفهوم هویت	تحلیل محتوای	مجموعه داستان‌های

	(۱۳۹۴)			قیاسی	قصه‌های شیرین مغزدار و قصه بازی شادی
۱۶	زارع (۱۳۹۴)	بازنمایی مؤلفه‌ها	شگردهای خداشناسی	تحلیل محتوای توصیفی	کتاب‌های برگزیده خداشناسی دهه ۱۳۸۰
۱۷	زبیدی (۱۳۹۳)	بازنمایی مؤلفه‌ها	کار کودکان	تحلیل محتوا	آثار داستانی کودک و نوجوان زبان فارسی از ۱۳۵۷ - ۱۳۹۰
۱۸	سهرابی، البرزی و خوشبخت (۱۳۹۲)	بسامد مؤلفه‌ها و مقایسه	مؤلفه‌های تفکر فلسفی	تحلیل محتوای کیفی قیاسی	افسانه‌های ایرانی، کتاب‌های داستانی تصویری ایرانی و خارجی
۱۹	شمسایی فر (۱۳۸۹)	بازنمایی مؤلفه‌ها	تمایزات اجتماعی	تحلیل محتوا و روش کیفی (مصاحبه با کودکان)	دو داستان برگزیده از سوی کارشناسان و دو داستان پرفروش
۲۰	شیروانی شیری، نصرآبادی و حیدری (۱۳۹۳)	بسامد و بازنمایی مؤلفه‌ها و مقایسه	شگردهای اعمال اقتدار و آزادی	تحلیل محتوای کیفی قیاسی و استقرائی	کتاب‌های داستانی تصویری ایرانی و انگلیسی
۲۱	عبداللهی و عمل صالح (۱۳۹۳)	بسامد مؤلفه‌ها و مقایسه	ادب‌مندی	تحلیل محتوا	فیلم «کلاه قرمزی و پسر خاله»
۲۲	عرفانی بیضائی	بازنمایی	نظام باورهای	تحلیل	قصه‌های عامیانه

	و رحیمی (۱۳۹۴)	مؤلفه‌ها	فردی	محتوا	طبقه‌بندی‌شده ایرانی
۲۳	فرزانه‌فر و دیگران (۱۳۸۹)	بسامد مؤلفه‌ها و مقایسه	فلسفه برای کودکان	تحلیل محتوای تأملی	چند داستان معاصر
۲۴	قربانی و دلالت رحمانی (۱۳۹۵)	بازنمایی مؤلفه‌ها	خسرویت نمادین	تحلیل محتوا	رمان من نوکر بابام نیستیم
۲۵	قربانی، هاشمی و الله‌ویسی (۱۳۹۴)	بازنمایی مؤلفه‌ها	آموزه‌های دینی	تحلیل محتوای توصیفی	قصه‌های نمادین منظوم دهه ۱۳۸۰
۲۶	قرشی‌نژاد (۱۳۹۲)	بازنمایی مؤلفه‌ها	بازنمایی خانواده	تحلیل محتوا	داستان‌های واقع‌گرای پس از انقلاب اسلامی
۲۷	کاظمی (۱۳۸۹)	بازنمایی مؤلفه‌ها	ویژگی‌های روانشناسی کودک	تحلیل محتوا	شعر کودک و نوجوان
۲۸	کامیاب (۱۳۹۱)	بسامد و بازنمایی مؤلفه‌ها	الگوهای فرزندپروری	تحلیل محتوای کیفی قیاسی	کتاب‌های داستانی تصویری کودکان
۲۹	کدخدایی رودخانه (۱۳۹۲)	بسامد مؤلفه‌ها	مؤلفه‌های حقیقت‌جویی	تحلیل محتوا	داستان‌های ایرانی و خارجی
۳۰	کمالی (۱۳۹۰)	بازنمایی مؤلفه‌ها	مفهوم جنگ	تحلیل محتوا	شعر کودک و نوجوان ۱۳۶۰ - ۱۳۸۰
۳۱	کریمی و ذاکری (۱۳۹۰)	بسامد و بازنمایی مؤلفه‌ها و	مؤلفه‌های از خودبیگانگی	تحلیل محتوای قیاسی و	کتاب‌های کودک و نوجوان مرتبط با از خودبیگانگی

	مقایسه	استقرائی	
۳۲	کوکبی، حری و مکتبی فرد (۱۳۸۹)	بسامد مؤلفه‌ها و مقایسه	مهارت‌های تفکر انتقادی
۳۳	کیچی (۱۳۹۲)	بسامد مؤلفه‌ها و مقایسه	نهادهای بنیادین جامعه
۳۴	مرتضوی (۱۳۹۱)	بسامد مؤلفه‌ها و مقایسه	عناصر و مؤلفه‌های ایثار و شهادت
۳۵	نوذری (۱۳۹۰)	بسامد مؤلفه‌ها و مقایسه	مبانی، اصول و روش‌های تعلیم و تربیت
۳۶	نیکویی و باباشکوری (۱۳۹۲)	بازنمایی مؤلفه‌ها	مؤلفه طرح‌واره در رویکرد شناختی
۳۷	هدایتی (۱۳۹۰)	بازنمایی مؤلفه‌ها	بن‌مایه‌های پایداری
۳۸	یوسفی (۱۳۹۲)	بسامد مؤلفه‌ها و مقایسه	مراحل حل مسئله و ویژگی‌های حل‌کنندگان مسئله

با توجه به اطلاعات مربوط به پژوهش‌ها در این جدول، تحلیل یافته‌های مربوط به اجزای ساختاری پژوهش به شرح ذیل است:

۱. هدف پژوهش: در هر پژوهشی، اهدافی به تفصیل بیان شده است که براساس نوع فعالیت مورد نظر می‌توان آن‌ها را در سه مقوله جای داد. این مقوله‌ها به ترتیب فراوانی کاربردشان در نمونه پژوهش عبارت‌اند از: بسامد مؤلفه‌ها (تعیین

فراوانی مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌ها در متن؛ تعداد پژوهش: ۲۱؛ بازنمایی مؤلفه‌ها (تعیین نحوه بیان مؤلفه‌ها در متن؛ تعداد پژوهش: ۲۳)؛ مقایسه (تعیین تفاوت مؤلفه‌ها از لحاظ فراوانی و نحوه بازنمایی در درون یک متن یا در بین دو یا چند متن؛ تعداد پژوهش: ۱۲).

۲. مؤلفه‌های پژوهشی: مفاهیم یا متغیرهایی که در تحلیل متون ادبیات کودک مورد نظر پژوهشگران بوده نیز در ذیل سه حوزه دانش (طبق جدول شماره دو) دسته‌بندی شده است:

جدول ۲. فراوانی مؤلفه‌های پژوهش در هر حوزه دانش

فراوانی	مؤلفه‌های پژوهشی مرتبط با حوزه دانش	حوزه‌های دانش
۱۹ مورد	باورهای شناختی، تفکر فلسفی، نقش‌های جنسیتی، تفکر انتقادی، هوش اجتماعی، تفکر خلاق، مفهوم هویت، مفهوم جنسیت، تفکر فلسفی، الگوهای فرزندپروری، ویژگی‌های روان‌شناسی کودک، اصول و روش‌های تعلیم و تربیت، مفاهیم روان‌درمانی، مراحل حل مسئله، مفاهیم فلسفی، مهارت‌های تفکر انتقادی، نگرش انتقادی، مؤلفه‌های اجتماعی شدن و عاطفه.	روان‌شناسی و علوم تربیتی
۱۰ مورد	خشونت نمادین، ادب‌مندی، اعمال اقتدار و آزادی، کار کودکان، مفهوم خانواده، مفهوم جنگ، بن‌مایه‌های پایداری، نمادهای اجتماعی، تمایزات اجتماعی و مؤلفه‌های ازخودبیگانگی.	جامعه‌شناسی و فرهنگ
۹ مورد	آموزه‌های دینی، شگردهای خداشناسی، مفاهیم اخلاقی، درون‌مایه‌های دینی، ایثار و شهادت، جلوه‌های دین و دین‌داری، حقیقت‌جویی، مفاهیم عاشورایی و مفاهیم تربیتی اسلام.	اخلاق و دین

۳. روش پژوهش: «تحلیل محتوا» روش مورد استفاده در همه مطالعات منتخب است که انواع کمی یا کیفی و توصیفی و مقایسه‌ای را شامل می‌شود؛ البته فقط در یک پژوهش (شماره ۲۰) علاوه بر تحلیل محتوا، از روش کیفی (مصاحبه با کودکان) نیز استفاده شده است.

۴. نمونه پژوهش: نمونه مورد نظر در همه مطالعات متن‌های ادبیات کودک هستند که براساس معیارهای مختلفی تعیین شده‌اند؛ ازجمله سال انتشار و رده سنی آثار (مانند کتاب‌های گروه سنی «ج»، داستان‌های ایرانی ۱۳۷۰ - ۱۳۸۵؛ تعداد: ۱۲)؛ نویسنده خاص یا یک اثر خاص (مانند داستان خاله سوسکه، رمان من نوکر بابام نیستم و آثار افسانه شعبان‌نژاد؛ تعداد: ۸)؛ نوع داستان یا کتاب (مانند داستان‌های تصویری، افسانه‌های ایرانی و قصه‌های عامیانه؛ تعداد: ۷)؛ موضوع خاص (مانند داستان‌های دفاع مقدس و کتاب‌های خدانشناسی؛ تعداد: ۶)؛ آثار برگزیده (مانند داستان‌های منتخب، داستان‌های با شمارگان بالا و داستان‌های پرفروش؛ تعداد: ۵).

۴. نتیجه

در این سنتزپژوهی سعی شد تا با تحلیل گزارش پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبیات کودک، جایگاه کودک در چهار مقوله، یعنی هدف، مؤلفه، روش و نمونه پژوهش، تحلیل شود و براساس یافته‌ها و با تکیه بر دانش موجود، پیشنهادهایی برای ورود و نفوذ هرچه بیشتر کودک در پژوهش‌های آینده ادبیات کودک ارائه گردد. بدین منظور، یافته‌های پژوهش در ذیل سؤالات پژوهش به‌ترتیب تفسیر شده و نظرات انتقادی و پیشنهادی در ادامه هرکدام مطرح شده است.

پرسش اول: هدف پژوهش در مطالعات بین‌رشته‌ای ادبیات کودک تا چه حد مخاطب‌محور است؟

پژوهش‌های ادبیات کودک تاکنون سه هدف عمده را پیگیری کرده‌اند که بیشترین تکرار در هدف بازنمایی مؤلفه‌هاست، پس از آن بسامد مؤلفه‌ها و درنهایت هدف مقایسه مورد نظر بوده است. هرچند در پژوهش ادبی، تعیین نحوه بیان مؤلفه‌ها یا فراوانی مؤلفه‌ها در متن اهدافی ارزشمند هستند، محدود کردن پژوهش به این اهداف درون‌متنی به معنای بی‌توجهی به مخاطب و دیگر عوامل برون‌متنی است. همچنین نشانه تمایز قائل نشدن بین پژوهش ادبی و پژوهش ادبیات کودک است.

پژوهش‌های بررسی شده بیشتر متوجه آفرینندگان، آموزگاران و پژوهشگران ادبیات کودک‌اند؛ از این رو اهداف و نتایج آن‌ها باید برای این افراد سودمند باشد. اکثر پژوهش‌ها به اثبات وجود یک مقوله در یک اثر ادبی مربوط به حوزه ادبیات کودک پرداخته‌اند؛ درحالی که متمرکز شدن بر واکنش کودکان به مؤلفه‌ها و مقوله‌های موجود در روایت و توصیف و تحلیل تعاملی این کنش و واکنش‌های بین کودک و داستان، دستاوردهای بیشتری به همراه خواهد داشت. ویلسون^{۱۸} (۲۰۰۹) با تحلیل انتقادی رمان‌های برگزیده امریکا، اذعان می‌کند همچنان که مفهوم کودکی امری ایستا نیست و نظریه‌های ضمنی درباره نیازهای کودکان در طول تاریخ متغیر بوده است، ادبیات کودک هم باید پویا و درحال تحول باشد. ادبیات کودک هم خالق و هم مخلوق مفاهیم درحال توسعه و متضاد مسلط بر جامعه درباره طبیعت کودک و کودکی است. این ارتباط دوسویه بین ادبیات کودک و مفهوم دوران کودکی، به مطالعه تعاملی این دو اهمیت بسیاری بخشیده است.

بر این اساس، اهداف جایگزینی را می‌توان برای پژوهش‌های مخاطب‌محور آینده پیشنهاد کرد؛ ازجمله تبیین دلایل متنی و فرامتنی استقبال مخاطب از اثر، تعیین ویژگی‌های متفاوت روایت کودکان از طریق مقایسه آثار پرمخاطب و آثاری که با پذیرش اندکی از سوی مخاطب مواجه شده‌اند، ارزیابی و قضاوت درباره میزان هماهنگی ویژگی‌های ساختاری و زبانی متن با نیازها و علایق کودکان (براساس معیارهای برگرفته از روان‌شناسی رشد و نتایج نیازسنجی مطالعات میدانی)، تعیین تأثیر متن بر کودک و تعیین اثرات ناشی از تعامل ویژگی‌های کودک (سن، جنس، سطح شناختی و عاطفی) با متن، شناخت تفاوت در محتوا و ساختار داستان‌هایی که کودکان در سنین مختلف می‌سازند، و شناسایی مهارت‌های لازم در درک و دریافت کودک از داستان، پی‌رنگ و شخصیت‌پردازی‌ها، و مشارکت فعال در کنش‌های داستان. پرسش دوم: مؤلفه‌های پژوهش در مطالعات بین‌رشته‌ای ادبیات کودک تا چه حد مخاطب‌محور است؟

طبق یافته‌ها، مؤلفه‌های مربوط به دانش روان‌شناسی و علوم تربیتی در این مطالعات بیشترین تعداد را دارد و این امر با رویکرد مخاطب‌محوری به پژوهش ادبیات کودک

سازگار است. اما از آنجا که پیش فرض همه این پژوهش‌ها آن است که وجود این مؤلفه‌ها در متن به معنای مطلوبیت متن است و توجه به این مؤلفه‌ها برای نویسندگان آثار بعدی ادبیات کودک ضروری است، لذا این پرسش‌ها مطرح می‌شود: آیا حضور و بسامد یک مؤلفه در متن با قضاوت درباره معتبر یا مناسب بودن متن ارتباط دارد؟ معیار انتخاب این مؤلفه‌ها چیست؟ چه کسی تعیین می‌کند متون خوب ادبیات کودک از چه مؤلفه‌هایی باید برخوردار باشند؟ و در کل هدف از این قضاوت چیست؟

جایگاه مخاطب در این بخش از پژوهش، یعنی مؤلفه‌های مورد بررسی در متن‌ها، از دو طریق حفظ خواهد شد: ۱. تعیین مؤلفه‌ها براساس نظریه‌ها و پژوهش‌های روان‌شناسی رشد کودک و روان‌شناسی تربیتی؛ زیرا چنانچه کودک خواننده ضمنی اثر باشد، هماهنگی ویژگی‌های فرض شده برای خواننده با ویژگی‌های کودک واقعی یک ضرورت در خلق و ارزیابی ادبیات کودک است. ۲. تحلیل مؤلفه‌های موجود در آثار برجسته و پرستقبال از سوی مخاطب (کودک).

پرسش سوم: روش پژوهش در مطالعات بین‌رشته‌ای ادبیات کودک تا چه حد مخاطب‌محور است؟

روش متداول در همه این پژوهش‌ها، تحلیل محتوا بود که البته روشی علمی در تحلیل ساختار، مضمون و ویژگی‌های متنی است؛ اما محدود کردن روش پژوهش به تحلیل محتوای متن، یعنی کم‌رنگ کردن نقش مخاطب در پژوهش. برای توجه به نقش فرامتنی مخاطب - کودک، روش‌های میدانی کیفی و کمی پیشنهاد می‌شود؛ مثلاً با استفاده از روش پیمایشی می‌توان از نیازها، علایق و واکنش‌های بیرونی مخاطبان به آثار آگاه شد. روش‌های کیفی مبتنی بر مصاحبه و مشاهده نیز در درک و تفسیر واکنش‌های درونی خودانگیخته کودک به ادبیات و تأثیراتی که از متن می‌پذیرد و همچنین کشف معنایی که کودک به متن نسبت می‌دهد، کاربرد مؤثر دارند.

بروکس و مک‌نایر^{۱۹} (۲۰۰۹) با مرور پژوهش‌های ادبیات کودک آمریکایی - آفریقایی، سه نوع رویکرد پژوهشی به ادبیات کودک را شناسایی کردند: ادبیات کودک به عنوان ۱. زمینه مورد بحث، ۲. مصنوعات فرهنگی، ۳. هنر ادبی؛ هر یک از این رویکردهای پژوهشی موضوع و روش خاص خود را دارد. در مطالعات بررسی شده در

نمونه پژوهش حاضر، رویکرد اول غالب بوده است؛ زیرا ادبیات کودک زمینه‌ای فرض شده که می‌تواند کارکردهای آموزشی، رشدی و تربیتی داشته باشد. اما همه آن‌ها روش پژوهشی متداول در رویکرد سوم، یعنی روش تحلیل محتوا، را به‌کار بسته‌اند. اورس^{۲۰} (۲۰۰۹) معتقد است ادبیات کودک زمینه‌ای بین‌رشته‌ای است که با حوزه‌های پژوهشی علوم دیگر مواجه می‌شود و این مواجهه اجتناب‌ناپذیر و مفید است. بنابراین برای دست یافتن به ادبیات کودک فراملی، به روش‌شناسی بین‌رشته‌ای نیاز داریم.

پرسش چهارم: نمونه پژوهش در مطالعات بین‌رشته‌ای ادبیات کودک تا چه حد مخاطب‌محور است؟

نمونه در همه این پژوهش‌ها متون ادبیات کودک بود. هرچند کاربرد نمونه‌های متنی در پژوهش‌های ادبی کاملاً موجه است، با روش‌های تحقیق مخاطب‌محور، پژوهش‌ها برای دریافت واکنش مخاطب ملزم به داشتن نمونه‌هایی از کودکان نیز هستند.

علاوه بر نوع نمونه، معیار تعیین و انتخاب نمونه در پژوهش‌ها نیز از مخاطب - کودک فاصله دارد. طبق یافته‌ها، در تعیین نمونه پنج معیار مورد نظر پژوهشگران بوده است و در این میان، معیار انتخاب براساس سال انتشار آثار و گروه سنی - که کمترین توجه به مخاطب را دارد - بیشتر از دیگر معیارها مورد استفاده بوده و معیار پنجم، یعنی انتخاب آثار برگزیده و پراستقبال - که نقش مخاطب در آن پررنگ‌تر است - کمتر به‌کار رفته است.

توجه به میزان استقبال کودک از متن یکی از معیارهای مهم در تعیین نمونه پژوهش مخاطب‌محور خواهد بود که زمینه را برای آفرینش آثاری با اشتراکات بیشتر با مخاطب واقعی فراهم خواهد کرد. هرچند استقبال کودکان از اثر ادبی به‌تنهایی نمی‌تواند شاهکارهایی را نشان بدهد که در نسل‌ها و دوره‌های مختلف با استقبال مخاطب مواجه شوند، تحلیل آثار پر فروش چه بسا معیاری برای پیش‌بینی واکنش مخاطب به آثار دیگر فراهم کند. طبق نظر شفیع کدکنی (۱۳۸۰)، داشتن این معیار در کنار جنبه‌های دیگری همچون پشتوانه فرهنگی، زمینه انسانی و بشری عواطف، و زیبایی‌های هنری و فنی، لازمه قضاوت در این باره است. بنابراین برای تعیین چارچوب و شاخص‌هایی برای

ادبیات کودک، باید شاهکارهای ادبی مورد توجه کودکان در سطح ملی و جهانی را بررسی و تحلیل کرد تا ویژگی‌های برجسته این آثار مشخص شود. در مجموع نتایج نشان می‌دهد با وجود گسترش نظریه‌های مخاطب‌محور در حوزه ادبیات کودک، نقش مخاطب - کودک در طراحی اجزای ساختاری پژوهش ادبیات کودک، یعنی هدف، مؤلفه‌ها، روش و نمونه پژوهش، ضرورتی است که مغفول مانده است. به عقیده چمبرز، بدون شک اگر قرار است ادبیات کودک اساساً دارای معنا باشد، موظف است قبل از هرچیز به ماهیت کودکی بپردازد؛ نه تنها ماهیت مشترک بیشتر کودکان، بلکه به گوناگونی کودکی نیز دل‌مشغول باشد. توجه به این امر زمینه‌ساز توسعه پژوهش‌های مخاطب‌محور و به تبع آن گسترش نظریه‌های دقیق و علمی در حیطه ادبیات کودک خواهد شد. نویسندگان آثار کودک نیز می‌توانند با استعانت از دستاوردهای چنین پژوهش‌هایی، از حصار مخاطب فرضی رها شوند و آثاری خلق کنند شبیه‌تر و نزدیک‌تر به کودک واقعی.

پی‌نوشت‌ها

1. Grenby & Reynolds
2. Vandergrift
3. Wolfgang Iser
4. Hans Robert Jauss
5. Jonathan Culler
6. Stanley Fish
7. Gerald Prince
8. Donna E. Norton
9. W.C. Booth
10. *The Rhetoric of Fiction*
11. Aidan Chambers
12. "The Reader in the Book"
13. Peter Hunt
14. C.S. Lewis
15. Rosenblatt
16. efferent
17. aesthetic
18. Wilson
19. Brooks & McNair
20. Ewers

منابع

- چمبرز، ایدن (۱۳۸۲). «خواننده درون متن». ترجمه طاهره آدینه‌پور. پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان. ش ۳۳ و ۳۴. صص ۵۳ - ۶۵.
- رنلدز، کیمبرلی (۲۰۱۱). ادبیات کودک (جان کلام: یک معرفی بسیار کوتاه). ترجمه مهدی حجوانی. تهران: افق. ۱۳۹۳.
- سلدن، رمان و پیتر ویدوسون (۱۹۹۳). راهنمای نظریه ادبی معاصر. ترجمه عباس مخبر. تهران: طرح نو. ۱۳۸۴.
- سیدآبادی، علی اصغر (۱۳۸۵). عبور از مخاطب‌شناسی سنتی. تهران: نشر فرهنگ‌ها.
- شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰). ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت. تهران: سخن.
- صدیقی، مصطفی، عاطفه جمالی و زهرا کهن سلوکلویی (۱۳۹۵). «نقد و نظریه ادبیات کودک به روایت کتاب ماه کودک و نوجوان از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰». مطالعات ادبیات کودک. س ۷. ش ۱. صص ۱۰۷ - ۱۳۲.
- مارش، کالین جی. (۱۳۸۷). پژوهش تلفیقی: سنتز پژوهی. مترجمان فریده مشایخ و لطفعلی عابدی. تهران: سمت. در شورت، ادموند سی. (۱۹۹۱). روش‌شناسی مطالعات برنامه درسی. ترجمه محمود مهرمحمدی و همکاران. تهران: سمت. ۱۳۸۷.
- مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۰). دایرةالمعارف فارسی. تهران: امیرکبیر.
- مکوئیلان، مارتین (۲۰۰۰). گزیده مقالات روایت. ترجمه فتاح محمدی. تهران: مینوی خرد. ۱۳۸۸.
- موران، برنا (۱۹۷۲). نظریه‌های ادبیات و نقد. مترجم ناصر داوران. تهران: نگاه. ۱۳۸۸.
- نورتون، دونا (۱۹۹۹). شناخت ادبیات کودکان: از روزن چشم کودک. ترجمه منصوره راعی و دیگران. ج ۲. تهران: قلمرو. ۱۳۸۲.
- یداللهی شاهراه، رؤیا و دیگران (۱۳۹۶). «فرانظریه توصیفی ادبیات کودک: طبقه‌بندی و توصیف زمینه‌های پژوهشی در نظریه ادبیات کودک». فصلنامه نقد ادبی. ش ۳۷. صص ۸۹ - ۱۰۶.
- Booth, W.C. (1961). *The Rhetoric of Fiction*. Chicago: U of Chicago P.
- Brooks, W. & J.C. Mcnair (2009). "A review of research on African American children's literature". *Review of Educational Research*. No. 79. 1. pp. 125 - 162.

- Chambers, A. (2003). "Khānande-ye Darune Matn". Tahere AdinePur (Trans.). *Pazhuheshnāme-ye Adabiyate Kudak va Nojavān*. No. 33 & 34. pp. 65 - 53. [in Persian]
- Ewers, H. (2009). *Fundamental concepts of children's literature research*. New York: Routledge.
- Grenby, M.O. & K. Reynolds (2011). *Children's literature studies*. US: Palgrave Macmillan.
- Marsh, K.J. (2008). *Pazhuheshe Talfiqi: Santez Pazhuhi*. Faride Mashayekh and Lotfali Abedi (Trans.). Tehrān: Samt. In Short, E.C. (2008). *Ravesh shenasi-ye Motāle'āte Barnāme-ye Darsi*. Mahmud Mehr Mohamadi et al. (Trans.). Tehrān: Samt. [in Persian]
- Masaheb, Q.H. (2001). *Dāyeratolma'ārefe Fārsi*. Tehrān: Amirkabir. [in Persian]
- McQuillan, M. (2009). *Gozide-ye Maqālāte Revāyat*. Fatah Mohamadi (Trans.). Tehrān: Minuye kherad. [in Persian]
- Moran, B. (2009). *Nazariyehaye Adabiyāt va naqd*. Naser Doran (Trans.). Tehrān: Mo'asese-ye Enteshārāte Negāh. [in Persian]
- Norton, D. (2003). *Shenākhte Adabiyāte Kudakān: az Rozane Cheshme Kudak*. Mansure Ra'i et al. (Trans.). Tehrān: Qalamro. [in Persian]
- Reynolds, K. (2014). *Adabiyāte kudak*. Mehdi Hejvani (Trans.). Tehrān: Ofoq. [in Persian]
- Sediqi, M., A. Jamali & Z. Soluklui (2016). "Naqd va Nazariye-ye Adabiyāte Kudak be Revāyate Ketābe Māhe Kudak va Nojavān az sāle 1376 tā 1380". *Motāle'āte Adabiyāte Kudak*. 1(13). [in Persian]
- Selden, R. & P. Widdowson (2005). *Rāhnamāye Nazariye-ye Adabi-ye Mo'aser*. Abas Mokhber (Trans.). Tehrān: Tarhen. [in Persian]
- Seyd Abadi, A.A. (2006). *'bur az Mokhātab shenāsi-ye Sonati*. Tehrān: Nashre Farhanghā. [in Persian]
- Shafi'i Kadkani, M.R. (2001). *Advāre She're Fasi az Mashrutiyat tā soqute Saltanat*. Tehrān: Sokhan. [in Persian]
- Wilson, M.B. (2009). *Constructions of childhood found in award-winning children's literature*. Dissertation of Ph. D. the University of Arizona.
- Yadollahi Shahrah, R. et al. (2017). "Farānazariye-ye Tosifi-ye Adabiyāte kudak: Tabaqebandi va Tosife Zaminehāye Pazhuheshi dar Nazariye-ye Adabiyāte kudak". *Faslnāme-ye Naqde Adabi*. No. 37. pp. 89 - 106. [in Persian]

پیوست: فهرست پژوهش‌های بررسی شده در سنتز پژوهی

- آقای، زینب (۱۳۸۹). بررسی نگرش انتقادی در ادبیات کودک گروه سنی الف و ب. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. دانشگاه الزهرا. تهران.
- اخلاق عالی، مریم (۱۳۹۱). بررسی و مقایسه مفاهیم اخلاقی و تربیتی در ادبیات کودک و نوجوان با تکیه بر آثار صمد بهرنگی، رضا رهگذر، سیروس طاهباز و هوشنگ مرادی کرمانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه پیام نور فارس.
- اسلام، علیرضا، زینب نوروزی و فاطمه نظری (۱۳۹۲). «تحلیل جامعه‌شناختی جنسیت در داستان‌نامه‌هایی به آقاغوله». *مطالعات ادبیات کودک*. س ۴. ش ۱. صص ۱ - ۲۰.
- افراه، طالب (۱۳۹۲). بررسی میزان برخورداری کتاب‌های فارسی اول، دوم و ششم ابتدایی و کتاب‌های داستان منتخب ادبیات کودک و نوجوان از مؤلفه‌های اجتماعی شدن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش. دانشگاه شیراز.
- البرزی، محبوبه (۱۳۹۴). «مؤلفه‌ها و مهارت‌های تفکر خلاق در کتاب‌های تصویری داستانی: تحلیلی بر مجموعه کتاب‌های مرغک». *مطالعات ادبیات کودک*. س ۶. ش ۱. صص ۱ - ۲۰.
- امین‌پور، نرگس (۱۳۹۲). عناصر و مؤلفه‌های مؤثر در فضاسازی شعر کودک در آثار مصطفی رحماندوست و افسانه شعبان نژاد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه شیراز.
- امین‌دهقان، نسرين و مهری پریخ (۱۳۸۲). «تحلیل محتوای کتاب‌های داستانی مناسب کودکان در گروه سنی ب با رویکرد کتاب درمانی». *کتابداری و اطلاع‌رسانی*. س ۶. ش ۴. صص ۱۹ - ۳۵.
- ایزدپناه، امین و بابک شمشیری (۱۳۹۴). «در جست‌وجوی دیگری؛ بررسی جلوه‌های دگربودگی در ادبیات کودک و نوجوان ایران». *مطالعات ادبیات کودک*. س ۶. ش ۲. صص ۱ - ۲۶.
- بخشایی، محبوبه (۱۳۹۰). بررسی جلوه‌های دین و دین‌داری در داستان‌های کودکان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه شهرکرد.
- پورگیو، فریده و مسیح ذکاوت (۱۳۸۹). «بررسی نقش‌های جنسیتی در خاله‌سوسکه». *مطالعات ادبیات کودک*. س ۱. ش ۲. صص ۲۷ - ۴۳.

- پیروز، غلام‌رضا و مریم فقیه عبداللهی (۱۳۹۵). «بررسی هوش اجتماعی و مؤلفه‌های آن در محتوای کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی». *مطالعات ادبیات کودک*. ۱۷. ش ۱. صص ۱ - ۲۴.
- ثقفیان‌خو، آمنه (۱۳۹۲). *بررسی ساختاری و محتوایی داستان‌های عاشورایی کودک و نوجوان گروه سنی ب و ج در دهه ۷۰ - ۹۰*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه شیراز.
- حمیلی، پروین (۱۳۹۳). *بررسی درون‌مایه‌های دینی در ادبیات کودک انتشارات دهه هشتاد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه آزاد کرمانشاه.
- قربانی، حسین و محمدحسین دلال رحمانی (۱۳۹۵). «بررسی خشونت نمادین در رمان من نوکر بابام نیستم نوشته احمد اکبرپور». *مطالعات ادبیات کودک*. ۱۷. ش ۱. صص ۴۹ - ۶۴.
- دهقانی، شهلا (۱۳۹۲). *جایگاه ادبیات داستانی در تربیت اخلاقی دوره ابتدایی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه کردستان.
- ذاکری، مختار و بابک شمشیری (۱۳۹۴). «بررسی مفهوم هویت در مجموعه داستان‌های قصه‌های شیرین مغزدار و قصه بازی شادی». *مطالعات ادبیات کودک*. ۱۶. ش ۱. صص ۵۹ - ۷۵.
- زارع، فاطمه (۱۳۹۴). *بررسی آسیب‌شناسانه شگردهای خداشناسی در ادبیات کودک دهه هشتاد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه شیراز.
- زبیدی، مریم (۱۳۹۳). *بررسی بازنمایی کار کودکان در آثار داستانی کودک و نوجوان زبان فارسی (۱۳۵۷ - ۱۳۹۰)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه هرمزگان.
- سهرابی، راضیه، محبوبه البرزی و فریبا خوشبخت (۱۳۹۲). «مقایسه افسانه‌های ایرانی، کتاب‌های داستانی تصویری ایرانی و کتاب‌های داستانی - تصویری خارجی برمبنای مؤلفه‌های تفکر فلسفی». *مطالعات ادبیات کودک*. ۱۴. ش ۱. صص ۹۱ - ۱۱۲.
- شمسایی‌فر، شهلا (۱۳۸۹). *بازتولید تمایزات اجتماعی در ادبیات کودکان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی. دانشگاه علم و فرهنگ. تهران.

- شیروانی شیر، علی، حسنعلی بختیار نصرآبادی و محمدحسین حیدری (۱۳۹۳). «مقایسه شگردهای اعمال اقتدار و آزادی در کتاب‌های داستانی تصویری ایرانی و انگلیسی». *مطالعات ادبیات کودک*. س ۵. ش ۱. صص ۷۳ - ۹۲.
- عبدالهی، منیژه و احیا عمل صالح (۱۳۹۳). «بررسی فیلم کلاه‌قرمزی و پسرخاله از منظر ادب‌مندی». *مطالعات ادبیات کودک*. س ۵. ش ۲. صص ۱۲۹ - ۱۴۵.
- عرفانی بیضائی، محمدجواد و محسن رحیمی (۱۳۹۴). «بررسی نظام باورها در قصه‌های عامیانه طبقه‌بندی‌شده ایرانی». *مطالعات ادبیات کودک*. س ۶. ش ۲. صص ۱۴۹ - ۱۷۰.
- عمل صالح، احیاء، منیژه عبدالهی و ربابه کارگران (۱۳۸۹). «بررسی عناصر طبیعت در کتاب فارسی دبستان». *مطالعات ادبیات کودک*. س ۱. ش ۲. صص ۱۰۱ - ۱۱۷.
- فرزانهفر، جواد، یحیی قائدی و میرعبدالحسین نقیب‌زاده (۱۳۸۹). «در جستجوی استقلال انتخاب متن‌های ادبی مناسب برای برنامه فلسفه برای کودکان». *مطالعات ادبیات کودک*. س ۱. ش ۲. صص ۱۲۵ - ۱۴۰.
- قربانی، خاور، محمدکاظم هاشمی و نیشتمان الله‌ویسی (۱۳۹۴). «بررسی ظرفیت تأثیرپذیری برخی قصه‌های نمادین منظوم دهه هشتاد بر رشد آموزه‌های دینی کودکان». *مطالعات ادبیات کودک*. س ۶. ش ۲. صص ۱۱۹ - ۱۳۸.
- قرشی‌نژاد، ربابه (۱۳۹۲). پژوهشی در بازنمایی خانواده در ادبیات کودک و نوجوان (با تحلیل داستان‌های واقع‌گرای پس از انقلاب اسلامی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه هرمزگان.
- کاظمی، علی (۱۳۸۹). روان‌شناسی در شعر کودک و نوجوان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه تربیت‌معلم سبزوار.
- کامیاب، مرجان (۱۳۹۱). بررسی الگوهای فرزندپروری و نقش پدر و مادر در ادبیات کودک: تحلیل محتوای کتاب‌های داستانی تصویری کودکان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه شیراز.
- کدخدایی رودخانه، ندا (۱۳۹۲). شناسایی مؤلفه‌های حقیقت‌جویی در داستان‌های کودکان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه شیراز.
- کریمی، محمدحسن و مختار ذاکری (۱۳۹۰). «بررسی مؤلفه‌های ازخودبیگانگی در داستان‌های کودک و نوجوان». *مطالعات ادبیات کودک*. س ۲. ش ۲. صص ۱۲۵ - ۱۴۲.

- کمالی، کبری (۱۳۹۰). بررسی مضمون و محتوای جنگ در شعر کودک و نوجوان ۱۳۶۰-۱۳۸۰. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه علامه طباطبائی. تهران.
- کوکبی، مرتضی، عباس حری و لیلا مکتبی‌فرد (۱۳۸۹). «بررسی مهارت‌های تفکر انتقادی در داستان‌های کودکان و نوجوانان». *مطالعات ادبیات کودک*. س ۱. ش ۲. صص ۱۵۷ - ۱۹۳.
- کیچی، زهرا (۱۳۹۲). *سیمای جامعه در ادبیات داستانی کودک و نوجوان (براساس آثار برگزیده: هوشنگ مرادی کرمانی، جعفر ابراهیمی (شاهد)، محمدرضا سرشار و احمد اکبرپور)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه زابل.
- مرتضوی، سیدمحسن (۱۳۹۱). *بررسی عناصر و مؤلفه‌های ایشار و شهادت در ادبیات داستانی کودک و نوجوان*. رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه شیراز.
- نوذری، افسانه (۱۳۹۰). *مطالعه میزان توجه به مبانی، اصول و روش‌های تعلیم و تربیت در ادبیات داستانی کودک و نوجوان در آثار نویسندگان معاصر ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت. دانشگاه پیام نور تهران.
- نیکویی، علیرضا و شراره باباشکوری (۱۳۹۲). «بازخوانی قصه‌های کودکان بر مبنای مؤلفه طرح‌واره در رویکرد شناختی». *مطالعات ادبیات کودک*. س ۴. ش ۲. صص ۱۴۹ - ۱۶۵.
- هدایتی، فاطمه (۱۳۹۰). *بررسی بن‌مایه‌های پایداری در ادبیات داستانی کودک و نوجوان دفاع مقدس*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- یوسفی، فاطمه (۱۳۹۲). *بررسی مراحل حل مسئله و ویژگی‌های حل‌کنندگان مسئله در ادبیات کودکان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت. دانشگاه شیراز.